

چرا تسريع در احیای مذاکرات وین

هدف از نگارش این یادداشت پاسخ به این سوال است که اولاً ابراهیم ریسی برای آغاز مجدد مذاکرات در خصوص برجام با چه محذوراتی در داخل مواجه است و ثانیاً چرا وقفه طولانی در روند احیای مذاکرات وین به صلاح منافع ملی نیست؟

به گزارش سایت خبری پرسون، حسین مسعودنیا، استاد علوم سیاسی نوشت: اگرچه در زمان انجام مذاکرات برجام و پس از امضای آن طیف وسیعی از اصولگرایان که از حامیان ریسی در انتخابات سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بودند، با برجام مخالفت و آن را توطئه‌ای از سوی غرب به‌ویژه آمریکا برای نابودی صنعت هسته‌ای ایران تلقی می‌کردند اما ریسی در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری و پس از تشکیل کابینه هیچگاه برجام و مذاکرات مربوط به احیای آن را به‌طور کامل رد نکرد بلکه بر اعتبار برجام به عنوان یک توافق‌نامه تأکید و بر تداوم مذاکرات وین در صورت مفید بودن و رسیدن به نتیجه صحه گذاشت؛ ضمن آنکه در مذاکرات تلفنی با ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، بر این مهم تأکید کرد که از بازگشت به مذاکرات وین و احیای برجام استقبال می‌کند البته مذاکراتی که تأمین‌کننده منافع ملی ایران باشد؛ موضوعی که منطقی به نظر می‌رسد و منافع ملی ایران در هر تصمیم‌گیری سیاسی باید در اولویت باشد. چنین موضعی در حالی از سوی رئیس‌جمهور مطرح می‌گردد که گاه برخی از مسوولان دیپلماسی دولت صحبت از آغاز مجدد مذاکرات تا سه ماه آینده می‌کنند. هدف از نگارش این یادداشت پاسخ به این سوال است که اولاً ریسی برای آغاز مجدد مذاکرات در خصوص برجام با چه محذوراتی در داخل مواجه است و ثانیاً چرا وقفه طولانی در روند احیای مذاکرات وین به صلاح منافع ملی نیست؟ در پاسخ به سوال نخست به نظر می‌رسد که دولت ریسی برای آغاز مجدد مذاکرات وین با چند مشکل در داخل مواجه است.

۱- به‌رغم تأکید وی مبنی بر مستقل بودن در انتخابات ریاست جمهوری، واقعیت این است که پایگاه اصلی حامیان وی ائتلافی از طیف‌های مختلف اصولگرا بودند که در میان آنها اصولگرایانی نیز بودند که مخالف برجام بوده و از همان ابتدا با آن مخالف و پس از امضای توافق تا مرحله آتش‌زدن آن پیش رفتند. اما به نظر می‌رسد اکنون رئیس‌جمهور نباید از مخالفت این گروه نگرانی داشته باشد چرا که اولاً مخالفت بسیاری از آنها با برجام نه بر اساس یک باور ایدئولوژیک بلکه صرفاً به‌خاطر انجام آن توسط گروه رقیب و ثبت این موفقیت برای رقیب خود بود لذا ازآنجا که در ایران رفتار گروه‌های سیاسی در قبال یکدیگر براساس بازی با حاصل جمع صفر بدون مدنظر قرار دادن منافع ملی است مخالفت آنها با برجام در آن مقطع طبیعی بود.

بنابراین رئیس‌جمهور نباید امروز نگران مخالفت این عده از سیاستمداران با دیپلماسی برجامی خود باشد چراکه آنها جهت سیاسی کرسی‌های خود را براساس تحولات روز تغییر خواهند داد ثانیاً با توجه به رویکرد اکثریت اصولگرایان حامی ریسی به رفتار عقلانی و پذیرش واقعیت‌ها، اقلیت مخالف برجام توان مخالفت نداشته و ناگزیر از سکوت یا همراهی با وی در مقطع کنونی خواهند بود ثالثاً ریسی می‌تواند استدلال کند که وعده دولت وی تداوم مذاکرات و تلاش برای لغو تحریم‌ها بر اساس دستورالعمل مقام معظم رهبری یعنی لغو تحریم‌ها، راستی‌آزمایی و سپس بازگشت ایران به تعهدات خود در دوران انتخابات و پس از تشکیل دولت به مردم بوده و اکنون نیز وی درصدد پیگیری مذاکرات در چارچوب تصمیم نظام است.

۲- یکی دیگر از موانع فراوری احیای مذاکرات برای دولت، مصوبه راهبردی مجلس در خصوص مقابله با تحریم‌هاست که با مفاد مذاکرات وین در تضاد است چرا که مصوبه مجلس خواهان لغو کامل تحریم‌هاست حال آنکه مذاکرات وین در چارچوب برجام و برای بازگشت آمریکا به تعهدات خود براساس مفاد برجام و لغو تحریم‌ها در چارچوب برجام همراه با بازگشت ایران به تعهدات برجامی است به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور در این خصوص نیز نباید نگرانی داشته باشد چرا که به دلیل یکدست بودن بلوک حاکمیت رویکرد مجلس همکاری با دولت است مضافاً اینکه مجلس به خوبی از این مهم آگاه است که شعار اصلی دولت آقای ریسی تلاش برای بهبود وضع اقتصادی و معیشت مردم بوده است حال آنکه پیامدهای روانی مشخص نبودن آینده مذاکرات سبب افزایش نرخ ارز و به تبع از آن افزایش قیمت بسیاری از کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در ماه نخست کار دولت جدید گردیده؛ واقعیتی که براننده دولت مردمی و مجلس انقلابی نیست. لذا بهتر است که مجلس و دولت با هماهنگی یکدیگر و در چارچوب اصول تعیین‌شده از سوی نظام به اصل مذاکره بازگردند البته مذاکره برای نیل به هدف نه مذاکره برای مذاکره با ماهیت فرسایشی.

صرف‌نظر از ضرورت احیای مذاکرات برجام به نظر می‌رسد این اقدام به چند دلیل باید سریع و در کوتاه‌ترین زمان باشد: ۱- در صورت احیای مذاکرات وین در داخل یک ثبات نسبی در بازار برقرار می‌گردد و این در راستای یکی از اهداف اصلی دولت است. ۲- به تعویق انداختن مذاکرات یا طولانی‌شدن آن به محور عبوری عبوری این فرصت را می‌دهد تا با استفاده از راهکارهای متفاوت مانند تأثیرگذاری بر سیاستمداران آمریکایی از طریق نهادهای صهیونیستی در داخل آمریکا به‌تدریج دولت آمریکا و شخص بایدن را از مذاکره برای احیای برجام منصرف و با متهم کردن ایران به لغو تعهدات برجامی خود، زمینه بازگشت پرونده ایران به شورای امنیت و قرار گرفتن ایران ذیل بند هفت را فراهم کنند. ۳- طولانی‌شدن مذاکرات یا تعویق آن به جمهوری‌خواهان رادیکال در درون کنگره این فرصت را می‌دهد تا با جذب برخی از دموکرات‌ها قانونی شبیه به قانون راهبردی مجلس ایران تصویب و برای همیشه باب مذاکرات در خصوص برجام را مسدود و زمینه را برای فروپاشی آن فراهم کنند.

۴- اوضاع اقتصادی کشور بر اثر تحریم‌ها و پیامدهای اقتصادی کرونا اقتضا می‌کند راهکارهای مختلفی برای آزادسازی سرمایه‌های بلوکه‌شده ایران در کشورهای مختلف در دستور کار قرار گیرد که شاید یکی از مهم‌ترین این راهکارها احیای سریع مذاکرات وین باشد. علی‌ای‌حال اگر دولت ریسی براساس وعده انتخاباتی خود مصمم به حفظ برجام است یکی از بهترین راهکارها بازگشت سریع به مذاکرات وین براساس تصمیمات نظام با مبنا قرار دادن اصل مذاکره برای نیل به هدف است. ضمن آنکه طرف‌های مقابل به‌ویژه آمریکا نیز باید این مهم را مدنظر قرار دهند که دوران استفاده از دکتترین همه گزینه‌ها روی میز است یا فشار حداکثری به پایان رسیده و بهترین راهکار برای اعتمادسازی اولیه جهت بازگشت به برجام، اجرای دقیق و کامل آن از

سوی طرفین است.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: اعتماد